

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: بابک آزاد

۱۶ جنوری ۲۰۱۳

در مصر چه می گذرد؟

تداوم اعتراضات وسیع توده ئی علیه دولت محمد مرسی در هفته های اخیر و یورش مردم برای اشغال کاخ ریاست جمهوری "فرعون" جدید مصر (لقبی که بخشی از مردم مصر به دنبال این حوادث به مرسی داده اند) ، از عزم توده های تشنه آزادی در این کشور برای رسیدن به مطالبات به حقشان خبر می دهد. به دنبال این حرکت حکومت ارتجاعی مرسی سرانجام با قرار گرفتن در حصار حمایت تانکهای ارتش ضد خلقی مصر و کشت و کشتاری که این ارتش با کمک دار و دسته اخوان المسلمین طرفدار حاکمیت در خیابانهای قاهره به راه انداختند، از سوختن در آتش خشم مردم حفظ شد. اما حرکت توده های معترض که در اوج خویش تا تلاش برای اشغال کاخ ریاست جمهوری پیش رفت و ۹ کشته و ۸۰۰ زخمی به جای گذارد ، بیش از پیش چهره کریه رئیس جمهور مصر و دولت سرکوبگرش و همچنین دار و دسته ارتجاعی و وابسته اخوان المسلمین را افشاء کرد که برای سرکوب مبارزات و خواسته های انقلابی مردم مصر و حفظ نظام سرمایه داری حاکم بر این کشور از اعمال هیچ جنایتی فرو گذاری نمی کنند.

وقایع اخیر در اعتراض به احکامی اتفاق افتاد که مرسی جهت فعال مایشائی خود صادر کرده بود تا هر چه راحت تر بتواند با اعمال قدرت، "قانون اساسی" ارتجاعی مصوب حکومت جدید را به تصویب برساند. اما مردم رها شده از زیر یوغ سه دهه دیکتاتوری حسنی مبارک، با اعتراض به پیش نویس قانون اساسی جدید که در صدد تحکیم یک دیکتاتوری مطلق العنان اسلامی توسط رئیس جمهور جدید است، خواهان تضمین حقوق دموکراتیک خویش و پی ریزی یک نظام دموکراتیک و مردمی شدند. اما این خواست طبیعی در تعارض با اهداف و نقشه های طبقه حاکم یعنی سرمایه داران وابسته مصر قرار دارد که برای حفظ نظام سرمایه داری در مصر به یک دیکتاتوری عنان گسیخته نیازمندند؛ و در چنین شرایط بحرانی است که مرسی و دار و دسته اش جهت کنترل اوضاع و انحراف مبارزات مردم به قدرت رانده شده اند، تا نظام سرمایه داری حاکم بر مصر را پس از مبارک از گزند مبارزات توده ها مصون نگهدارند. درست به همین دلیل است که این دار و دسته ضد انقلابی فریبکارانه کوشیده اند تا ضمن جا زدن خویش به عنوان نیروی مدافع "انقلاب" و "منتخب" توده ها، به سرعت و با کمک ارتش به ارث رسیده از حکومت مبارک که تا مغز استخوان به امپریالیسم امریکا وابسته است، دیکتاتوری مورد نیاز نظام سرمایه داری و طبقه استثمارگر حاکم در مصر را بازسازی نموده و به مردم نیز اینگونه القاء کنند که گویا با سقوط حسنی مبارک و روی کار آمدن آنها "انقلاب" مصر به پیروزی رسیده و مردم هم باید به خانه هایشان بازگردند.

اما انقلاب مصر هنوز از نیروی زیادی برخوردار است و طبقه کارگر و دیگر توده های تحت ستم مصر در مبارزه با دشمنانشان از پای ننشسته اند. لذا تمهیدات فریبکارانه مرسی و دارو دسته اش سودی به نفع آنها نداشته و برای عقب راندن توده های مبارز مثمر ثمر واقع نشده اند. مردم مبارز مصر نه تنها به خانه هایشان باز نگشته اند بلکه اکنون از مرسی به عنوان یک "خائن به انقلاب" و "فرعون" جدید اسم می برند. آگاهی مردم مبارز مصر که در تداوم اعتراضاتشان متجلی شده و خونهای ریخته شده در خیابانهای قاهره به دست ارتش ضد خلقی و دار و دسته اخوان المسلمین در عمل و بار دیگر، عدم وجود کمترین مشروعیت توده ئی ضد انقلاب جدید را در افکار عمومی به نمایش گذارده است. حرکت شجاعانه مردم و جنایاتی که حکومت مرسی جهت سرکوب آن آفرید ننگ بزرگی برای وی و حامیانش به بار آورده است تا جایی که برخی از مقامات بلند پایه مصری و از جمله دادستان کل این کشور و جمعی از مشاوران محمد مرسی، مجبور به استعفاء شدند.

خلاف تحلیلهای رنگارنگی که این روز ها از وقایع جاری در مصر از سوی بلندگوهای بورژوائی راه افتاده و با فریبکاری تمام می کوشند تضاد های طبقاتی پشت این رویداد ها را لاپوشانی نمایند، اتفاقاً رویدادهای اخیر در این کشور پیش از هر چیز از تضادهای طبقاتی پرده بر می دارد که شدت گیری آنها جامعه تحت سلطه مصر را در سالهای اخیر درنور دیده است. در یک سوی این تضادها توده های وسیع مردم قرار دارند که مبارزات آنها با خواست استقرار دموکراسی و آزادی طومار ۳۰ سال حاکمیت رژیم وابسته حسنی مبارک را در فیروزی سال ۲۰۱۱ در مصر در هم پیچید. در طرف دیگر این تضادها طبقه انگل صفت سرمایه داران حاکم بر مصر و حامیان آن یعنی سرمایه داران بین المللی و قدرتهای امپریالیستی قرار دارند که گرچه حاکمیت آنان در اثر اوج یابی جنبش توده ئی و سرنوینی رژیم حسنی مبارک، متحمل ضرباتی شده اما اکنون با اتکاء به قدرت سرنیزه های ارتش ضد خلقی - که دستانش تا مرفق به خون کارگران و زحمتکشان مصر آغشته است - و دار و دسته مرسی و اخوان المسلمین در صدد سرکوب قطعی خیزش مردم و بازسازی هر چه سریعتر ضربات وارده بر نظام غارتگرانه حاکم و حفظ آن می باشند. وقایع هفته های اخیر و هجوم مردم برای اشغال کاخ ریاست جمهوری که عده ای را به گمانه زنی در مورد تاریخ سقوط دولت مرسی واداشت تنها یک تجلی آشکار از چنین کشاکشی را به نمایش می گذارد.

برای درک ماهیت رویدادهائی که امروز در مصر می گذرد، لازم است تا مهمترین روندهای جاری در جامعه تحت سلطه مصر را مورد اشاره قرار داد تا فهمید که کشاکش اجتماعی کنونی حاصل کدام تضادها و عملکرد کدام نیروها و طبقات است.

همه می دانند که مصر به دلیل جایگاهش در میان کشور های عربی و نقشی که در بحران "اعراب و اسرائیل" پیدا نموده سالهاست که در سیاست خارجی امپریالیسم امریکا اهمیتِ ستراتیژیک خاصی یافته است. در نتیجه کمک و حمایت از طبقه بورژوازی انگل صفت مصر برای حفظ و اداره نظام استثمارگرانه حاکم بر این کشور یکی از اولویتهای تردید ناپذیر برای تمام دولتهای حاکم بر امریکا در دهه های اخیر بوده است. در اثر چنین واقعیتی است که مصر با دریافت سالانه حدود ۲ میلیارد دلار از امریکا، یکی از بزرگترین دریافت کنندگان به اصطلاح "کمکهای خارجی" رسمی امریکاست. این کمکهای امریکا در کنار تجهیز و تسلیح دائمی ارتش ضد خلقی مصر عامل تداوم عمر دولتهای حاکم بر مصر بوده که از دوران حکومت انور السادات تا کنون با اعمال یک دیکتاتوری خشن و قهر آمیز مبارزات آزادیخواهانه و استقلال طلبانه کارگران و مردم مصر را سرکوب کرده اند.

به دنبال تشدید بحران نظام سرمایه داری در سطح بین المللی و گسترش تصاعدی فقر و فلاکت و بیکاری در سالهای ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱ در مصر که به طور اولی حاصل پیشبرد برنامه های اقتصادی تحمیلی صندوق بین المللی پول و قدرتهای امپریالیستی بود، موجی از خیزش های مبارزاتی مردم این کشور را فرا گرفت. اوضاع اقتصادی مصر در

این سالها به حدی نزول کرد که بنا به برخی آمار، بیش از ۲۰ میلیون نفر از مردم زحمتکش این کشور به زیر خط فقر سقوط کرده و این آمار در مناطق روستائی به بیشتر از ۵۱ درصد کل جمعیت رسید. برای فهم بهتر ابعاد فقر و محنت فزاینده مردم مصر لازم است به عنوان یک مثال اشاره شود که به گزارش شبکه "الجزیره" هم اکنون حدود ۲ میلیون نفر از مردم مصر به دلیل فقر مطلق و فقدان سرپناه در "قبرستانها"ی شهرهای بزرگ و من جمله قاهره زندگی می کنند. چنین شرایطی به طور طبیعی و بر بستر فقدان آزادی و دموکراسی به موجی از شورشهای قهر آمیز کارگران و اقشار تحت ستم انجامید که گرچه در روزهای اول با شعار حل مشکلات اقتصادی و افزایش دستمزدها به خیابان آمده بودند، اما مطالباتشان خیلی سریع جنبه سیاسی پیدا نموده و به خواست سرنگونی رژیم مبارک ارتقاء یافت. اعلام حکومت نظامی از طرف حکومت مبارک و کشتار مردم معترض توسط ارتش ضد خلقی مصر نتوانست شعله های این مبارزات را خاموش سازد. بنابراین به دنبال شعله ور گشتن هر چه بیشتر آتش مبارزات توده ئی سرانجام در فبروری سال ۲۰۱۱ مقامات امریکائی خواهان کناره گیری مبارک از قدرت شدند تا امکان نجات کل نظام مهیا گردد. حسنی مبارک پس از "مقاومت" اولیه، با مشاهده اعلام قطع حمایت ارتش از تداوم حکومتش، استعفاء داد و قدرت را به "شورائی" از فرماندهان ارتش مصر واگذار نمود.

با سرنگونی نماد رژیم دیکتاتوری پیشین یعنی مبارک، ارتش تلاش نمود این عقب نشینی جزئی را "پیروزی انقلاب" جا زده و از مردم بخواهد که به خانه هایشان بازگردند. در حالی که هیچ یک از عوامل و معضلاتی که ریشه های مشروع خیزش مردم را تشکیل می دادند عوض نشده بودند. و مهمتر از همه ارتشی که تا دیروز و در تداوم ۳۰ سال دفاع از حکومت دیکتاتوری مبارک به ریختن خون جوانان و مردم در زندانها و خیابانها و به ویژه در میدان "التحریر" مشغول بود، بدون کمترین تغییری در قدرت باقی مانده بود. با تداوم مقاومت مردمی، ارتش به یک به اصطلاح انتخابات رضایت داد و در خرداد ماه [جوزا] امسال، در جریان یک انتخابات فرمایشی که در آن مردم مصر یا مجبور به رأی دادن به نخست وزیر حکومت سرنگون شده مبارک یعنی احمد شفیق بودند و یا می بایست به تنها گزینه دیگر، محمد مرسی از "حزب عدالت و آزادی" وابسته به جمعیت اخوان المسلمین رأی دهند. سرانجام دومی "پیروز" انتخابات معرفی شد. پیروزی محمد مرسی به عنوان رئیس جمهور جدید مصر و حزب او، در واقع تبلور موفقیت در حفظ قدرت سیاسی توسط کل طبقه سرمایه داران حاکم منتها با یک آرایش جدید سیاسی بود که در آن، جریان ارتجاعی اخوان المسلمین در جلوی صحنه قرار گرفت.

در اینجا برای فهم دقیقتر اوضاع و تشخیص نقش امپریالیسم امریکا در جا به جایی قدرت در مصر باید به سندی اشاره کرد که با مشاهده شرایط نا آرام جامعه مصر درست چند روز قبل از آغاز شورشهای توده ئی علیه حکومت حسنی مبارک در جنوری ۲۰۱۱ در کنگره امریکا طرح شد. در این سند به طور مشهود نگرانی امریکا در مورد جهتی که ممکن است جنبش توده ئی و "بهار عربی" در مصر علیه حکومت مورد حمایت امریکا یعنی مبارک به خود بگیرد و پیش بینی های لازم برای مقابله با بحران ناشی از احتمال رادیکالیزه شدن جنبش مردمی مورد بررسی قرار گرفته است. سند مزبور که از جمله در پایگاه خبری "ولتر نت" درج شده از کوشش های امریکا برای احتمال جابه جایی قدرت خبر داده و نشان می دهد که چگونه در ابتداء امریکائی ها یکی از "راهکارهای مدیریت انتقال قدرت در مصر" را انتقال مسالمت آمیز قدرت از حسنی مبارک به پسرش جمال مبارک آنهم در جریان یک به اصطلاح "انتخابات آزاد" می دانستند. این طرح مدت کوتاهی قبل از اوج گیری جنبش توده ئی در مصر مورد بررسی مقامات امریکائی قرار گرفت، اما خیزش مردم فرصت عملی شدن چنین طرح ضد مردمی را نداد و همانطور که بعداً معلوم گشت امر مدیریت انتقال مسالمت آمیز قدرت از مبارک به رژیم بعدی در مصر از طریق بخش دیگری از طبقه حاکم یعنی دار و

دسته اخوان المسلمین صورت واقعیت به خود گرفت. مضافاً آن که برخی از رهبران آنها از زمره بزرگترین سرمایه داران مصری هستند که روابط تجاری بسیار گسترده ای با سرمایه داران بزرگ امریکائی داشته و دارند. انتقال قدرت به اخوان المسلمین زیر نام پیروزی "انقلاب" از طرف طبقه سرمایه دار، در شرایطی اتفاق افتاد که همه می دانند جمعیت اخوان المسلمین در دوران سادات و با حمایت وی از صورت یک جریان اسلامی زیر زمینی در اپوزیسیون دولت مصر به یک حزب سیاسی با امکان فعالیت علنی تبدیل شد که در دوره حسنی مبارک نیز همین وضع ادامه پیدا نمود و حتی با حمایت های مبارک، این جریان بال و پر بیشتری گرفته و نقش مهمی در اداره دستگاه بوروکراسی طبقه حاکم به دست آورد و رسماً در دولت مبارک سه وزیر داشت. جالب تر آن که این حزب حتا پس از آغاز جنبش مردمی، تا مدتی با ادامه حمایت از حسنی مبارک، حاضر به پیوستن به مبارزات توده ئی علیه وی نگشت و تنها با دیدن نیروی توده های مردم در ضدیت با رژیم حاکم، خود را وارد صف مردم کرده و ظاهراً از مبارزات مردم علیه مبارک حمایت نمود.

با به قدرت رسیدن مرسى و دار و دسته حامی او یعنی اخوان المسلمین با کمک شورای نظامی وابسته به امریکا و با حمایت آشکار این قدرت جهانی، یک بار دیگر فریبکاری های امپریالیسم امریکا در مقابل چشم جهانیان قرار گرفت. مقامات امریکائی که فریبکارانه خود را مخالف و به اصطلاح دشمن بنیاد گرائی اسلامی جا می زنند در حمایت و تقویت حکومت مرسى، این مهره اخوان المسلمین کوچکترین تردیدی به خود راه نداده اند. سفرهای جمعی از بلندپایه ترین مقامات کنگره امریکا به همراه هیأت های بزرگ تجاری به منظور اطمینان از تداوم "امنیت سرمایه گذاران امریکائی" در مصر و همچنین روند کمک های رسمی "بلا عوض" امریکا با روی کار آمدن دولت مرسى ادامه یافت. همچنین امریکا با "سختی" تمام اعلام کرد که یک میلیارد دلار از بدهی های دولت مصر را "می بخشد". علاوه بر اینها با حمایت رسمی امریکا، اکنون صندوق بین المللی پول در صدد اختصاص قریب به ۴/۸ میلیارد دلار وام به حکومت مرسى برای مقابله با بحران کنونی است. در واقعیت امر، مصر اکنون کشوری است که چه رژیم قدیم و چه رژیم جدید آن، از امریکا "کمک های رسمی" می گیرند.

اینجا بخشی از واقعیاتی است که نشان می دهد امپریالیسم امریکا در شرایط مواجه شدن طبقه حاکم در مصر با یک جنبش وسیع توده ئی، با تمام نیرو و توان در صدد تحکیم موقعیت رژیم جدید برای سرکوب مبارزات و خیزش مردم و اعاده نظم مورد دلخواه سرمایه داران بین المللی و مصری و قدرتهای جهانی در این کشور می باشد. این واقعیت و کوشش های معطوف به آن از یکسو و تداوم اعتراضات توده ئی که با خواست سرنگونی دولت محمد مرسى در جریان است، روشن کننده ماهیت رویدادها و تحولاتی است که هم اکنون در مصر جریان دارد. خیزش مردم مصر با وجود تلاش های وسیعی که برای انحراف آن از مسیر اصلی صورت می گیرد، با در اهتزاز نگهداشتن پرچم خواستها و مطالبات به حقش همچنان زنده است و از سوی دیگر ضد انقلاب تازه نفس در این کشور به نیابت از طبقه استثمارگر حاکم و امپریالیست های حامی آن به سرعت و با چنگ و دندان با اتکاء به نیروی سرکوب ارتش ضد خلقی مصر و تأکید بر "پایان انقلاب" در صدد اعاده وضع نکبت بار سابق و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته مصر در جهت مصالح و منافع امپریالیست ها می باشد. اعتراض وسیع و خونین به قانون اساسی دست ساز مرسى و هجوم برای اشغال کاخ ریاست جمهوری با شعار های "ما قانون اساسی اسلامی" نمی خواهیم و "مرگ بر خائنین به انقلاب" و "انقلاب ادامه دارد" و تهدید جوانان مصری در شبکه های اجتماعی اینترنت به برداشتن سلاح علیه حکومت مرسى در این چهار چوب اتفاق می افتد.

با توجه به واقعیاتی که گفته شد، غیر واقعی بودن تحلیلهائی که این روز ها وسیعاً توسط بوقهای تبلیغاتی بورژوائی برای انحراف اذهان عمومی و پیشبرد خطوط مورد دلخواه امپریالیست ها در مورد بحران مصر اشاعه می یابند، هرچه

بیشتر آشکار می شود. تحلیلهای مغرضانه می کوشند روند های جاری در این کشور را در چهارچوب تضاد بین "اکثریت" مسلمان و "اقلیت" مسیحی این کشور که اتفاقاً سالها در صلح و برادری با یک دیگر زیسته اند و در مقابل دشمن مشترکشان یعنی امپریالیستها و سرمایه داران مصر دست در دست هم مبارزات آزادیخواهانه شان را پیش برده اند، توضیح دهند. وقایع مصر خلاف القانات چنان تحلیل هائی جنگ صلیبی مسلمانان با غیر مسلمانان نبوده و نیست، بلکه با دقت در عمق قضایا می توان دید که آنچه در مصر شاهد آن هستیم نهایتاً انعکاس تشدید تضاد کارگران و توده های تحت ستم و به پاخاسته مصر برای نان و آزادی از یکسو با سلطه نفرت بار نظام سرمایه داری حاکم بر این کشور می باشد که تا مغز استخوان به امپریالیسم وابسته بوده و برای مقابله با خیزش مردم دستان خونین خود را در دستکش سیاه "اخوان المسلمین" مخفی نموده است. در این مسیر همه کسانی هم که مخالف اعمال قوانین اسلامی بر زندگی خود هستند، به مقابله واداشته شده اند.

به طور خلاصه باید گفت که در پیکار جاری مردم مصر و اصولاً در هر مبارزه طبقاتی شناخت چهره دشمنان اصلی و تلاش برای جهت دادن پیکان مبارزه توده ئی به سوی گرانیگاه اصلی نقش بسیار مهمی در تعمیق و پیشرفت مبارزات توده ئی را دارد. در مصر نیز واقعیت این است که سرمایه داران زالو صفت متشکل در طبقه حاکم با تمام دسته بندی هایش (که در بر گیرنده دار دسته ارتجاعی اخوان المسلمین نیز هست) با اتکاء به ارتش ضد خلقی این کشور و با بهره مندی از حمایت های آشکار و بی وقفه مالی و نظامی امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی توده های به پاخاسته مصری هستند. در نتیجه مبارزه توده ها باید با تلاش برای تشکل نیروهای صف خلق، نابودی دشمن اصلی و عامل بقای آن یعنی ارتش ضد خلقی مصر را آماج حملات اصلی خود قرار دهد.

تردیدی نیست که به دلیل ماهیت عادلانه، آزادیخواهانه و مردمی این مبارزه، وجدانهای بیدار و نیروهای آزادیخواه و دمکرات در سراسر جهان از تلاشهای مبارزاتی مردم مصر برای حفظ دستاوردهای مبارزات خود و گسترش آن تا زمان رسیدن به آزادی، استقلال و حاکمیت بر سرنوشت خود پشتیبانی خواهند کرد.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۱۶۲ ، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۱